

چکیده

در اواسط دهه ۱۹۷۰ و در طول دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها تحت تأثیر مشکلات داخلی خود، اوضاع اقتصاد بین‌المللی دهه ۸۰ و تشویق و اعمال نظر مؤسسات و سازمان‌های وام‌دهنده بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی دست زدند که غالباً در ادبیات توسعه اقتصادی به «آزادسازی» موسوم شده است. با توجه به بازنگری در اصل ۴۴ قانون اساسی و فضای موجود اقتصادی و سیاسی جهان، بانک‌های دولتی به عنوان نهادهای مالی متأثر از این قانون می‌بایست مشکلات و موانع پیش‌رو را با توجه به تجربیات سایر بانک‌ها در کشورهای دیگر پیش‌بینی و نسبت به ارائه راه‌حل چاره‌اندیشی نمایند.

در این گزارش محقق پس از ذکر مقدمه‌ای مشتمل بر تعریف مفاهیم، اهداف و مزایای خصوصی‌سازی، وضعیت بانک‌های دولتی و خصوصی را مورد مقایسه قرار داده و به بررسی تجربیات بانک‌ها در سایر کشورها در زمینه خصوصی‌سازی خواهد پرداخت، سپس به مشکلات کلان بخش خصوصی، چالش‌های پیش‌روی بانک‌های خصوصی در ایران، مسائل پیش‌روی بانک‌های دولتی در زمینه خصوصی‌سازی اشاره شده و به تشریح اقدامات لازم در زمینه عرضه سهام بانک‌های دولتی در بورس خواهد پرداخت.

کلمات کلیدی: آزادسازی، خصوصی سازی، بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی

مؤسسه عالی بانکداری ایران
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

در ادبیات توسعه اقتصادی آزادسازی با سه مفهوم به کار گرفته می‌شود. مفهوم اول، فراگرد انتقال مالکیت از دولت به بخش خصوصی که به آن خصوصی‌سازی گفته می‌شود. در این فراگرد، مالکیت از دولت به بخش خصوصی منتقل می‌شود. مفهوم دوم، آزادسازی^۱ کاهش مقررات دولت و اعمال آزادی بیشتر برای بخش خصوصی است که به مقررات‌زدایی^۲ موسوم شده است. مقررات‌زدایی لزوماً به معنای آزادی کامل تجارت نیست بلکه به معنای تعیین مجدد استقلال مکانیزم بازار به وسیله فرمول‌های جدید دخالت دولت است. مقررات‌زدایی چیزی نیست مگر بازگشت به روابط تجاری دولت متناسب با اقتصاد بازار آزاد. مفهوم سوم، آزادسازی، به واگذاری فعالیت‌های دولت به بخش خصوصی از طریق تنظیم قراردادهای پیمانکاری، اجاره‌دادن اموال دولتی به بخش خصوصی برای مدت زمان نسبتاً طولانی و واگذاری عرضه کالاهای عمومی به بخش خصوصی با حفظ کنترل دولت بر می‌گردد.

اقدامات دولت‌ها در زمینه خصوصی‌کردن مؤسسات دولتی و انتقال مالکیت دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی به‌طور فزاینده‌ای در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده است. بسیاری از دولت‌ها تحت تأثیر مؤسسات دولتی خصوصی شده قرار گرفته و برنامه خصوصی‌سازی به‌عنوان ابزاری در جهت متعادل کردن عملیات مؤسسات دولتی مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه در مورد خصوصی‌سازی، تجربیات کافی و کاملی وجود دارد که از آن می‌توان به‌عنوان یک وسیله در جهت خصوصی‌سازی در کشور استفاده کرد.

در مورد خصوصی‌سازی تعاریف زیادی ارائه شده است که رایج‌ترین آنها تعریفی است که به انتقال مالکیت یک مؤسسه دولتی به بخش خصوصی اشاره می‌کند. در بعضی موارد خصوصی‌سازی را به مفهوم کلی‌تری به کار می‌گیرند و به ورود بخش خصوصی به هرگونه فعالیتی که قبلاً توسط دولت انجام می‌شده است، اطلاق می‌گردد که اصطلاحاً به آزادسازی و یا به مقررات‌زدایی مشهور شده است. در این مقاله پس از

¹ liberalization

² deregulation

مرور بر مفاهیم نظری و تجربی خصوصی سازی به تشریح مشکلاتی خواهیم پرداخت که فرا روی خصوصی سازی بانک‌ها قرار دارد.

برای بسیاری از صاحب‌نظران خصوصی سازی جزئی از برنامه آزادسازی تلقی می‌شود، این گروه بیان می‌دارند که یکی از اجزای مهم مجموعه سیاست‌های مربوط به آزادسازی اقتصادی و شاید غامضترین سیاست‌هایی که اعمال آن به زمانی طولانی نیاز دارد خصوصی کردن مؤسسات دولتی است. خصوصی کردن جزء منطقی تغییر مسیر استراتژی توسعه در جهت تکیه بیشتر بر مکانیزم بازار و افزایش بهره‌وری تولید و کاهش اندازه بخش دولتی است.

انتقال مالکیت مؤسسات دولتی و دارایی‌های تولیدی دولتی (مانند ماشین‌آلات تولید، خدمات عمومی مانند حمل و نقل و ارتباطات و کشاورزی)، به‌طور کلی یا به‌طور جزئی به بخش خصوصی را در تعریفی دیگر خصوصی سازی نامیده‌اند.

خصوصی سازی یعنی تغییر فضای حاکم بر مؤسسات دولتی به نحوی که در عین حفظ ساخت اصلی فعالیت، صرفاً فضای مذکور تغییر یافته و شرایط بازار بر نحوه عملکرد مؤسسه طوری تأثیرگذار که انگیزه و مکانیزم‌های بخش خصوصی ملاک تصمیم‌گیری در مؤسسه مذکور قرار گیرد.

در فضای جدید که مستقیماً تحت تأثیر نیروهای بازار است با به‌کارگیری مکانیزم‌های انگیزشی و استفاده از ابزارهای بخش خصوصی، اهرم‌های سودآوری از طریق انجام کنش‌ها و واکنش‌ها در مقابل نیروی بازار، هزینه تولید را به حداقل رسانده و کارایی را در سطح مطلوب حفظ خواهند کرد.

مفهوم خصوصی سازی را می‌توان به طریق دیگری نیز بیان کرد که در آن ماهیت دقیق آنچه که خصوصی سازی می‌شود مشخص شود. یعنی خصوصی سازی مالکیت،

خصوصی سازی مدیریت و خصوصی سازی نظام مؤسسه. **داری ایران**

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱- مروری بر ادبیات موضوع

۱-۱- مبانی نظری

۱-۱-۱- اهداف خصوصی سازی

اهداف خصوصی سازی با توجه به ویژگی های اقتصادی و موقعیت هر کشور با یکدیگر متفاوت است. ولی به هر حال در همه کشورهایی که به خصوصی سازی پرداخته اند هدف اصلی بهبود بخشیدن به اوضاع و شرایط اقتصادی بوده است. ولی در کنار این هدف اصلی اهداف فرعی دیگری نیز می توان وجود داشته باشد که عبارتند از:

- ۱- افزایش تولید ملی
- ۲- افزایش کارایی و سودآوری شرکت های موجود در دست دولت
- ۳- دستیابی دولت به منابع مالی بخش خصوصی از طریق فروش شرکت های دولتی
- ۴- شرکت های دولتی فاقد انگیزه رقابت و علاقه به کار هستند و بیشتر متکی به دولت و هزینه های دولتی هستند، با تعلق این شرکت ها به بخش خصوصی رقابت ایجاد شده و این رقابت به نفع اوضاع اقتصادی کشور خواهد بود.
- ۵- صرفه جویی در هزینه های دولت ناشی از اعطای یارانه ها و حمایت های دولتی
- ۶- ایجاد رونق در بازارهای سرمایه و گسترش شرکت های سهامی عام.
- ۷- جمع آوری نقدینگی که یکی از معضلات اقتصادی کشورهای تورمزا است.
- ۸- افزایش تشکیل سرمایه
- ۹- جلوگیری از انحصارات در دست دولت، اما باید مراقب بود که انحصارات دولتی به انحصارات خصوصی تبدیل نگردد.

مؤسسه عالی بانکداری ایران

۱-۱-۲- مزایای خصوصی سازی جمهوری اسلامی ایران

مزایای خصوصی سازی را می توان به دو بعد کلان و خرد طبقه بندی نمود:

۱-۲-۱-۱- مزایای کلان

- ۱- تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت و در نهایت افزایش کارایی دولت
- ۲- ایجاد شرایط مناسب برای حضور در بازار رقابت جهانی
- ۳- تبدیل انحصار به رقابت و ایجاد فرصت‌های رقابتی بیشتر
- ۴- افزایش رونق بازار سرمایه و گسترش بازار سهام از طریق توسعه سهام
- ۵- افزایش سرمایه‌گذاری خارجی
- ۶- افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی و انحلال شرکت‌های زیانده
- ۷- اصلاح ساختار اقتصادی در راستای افزایش کارایی در کل بخش‌های اقتصادی
- ۸- توسعه توانمندی‌های بخش خصوصی
- ۹- افزایش درآمدهای دولت
- ۱۰- کاهش تورم و بیکاری

۱-۲-۲-۱- مزایای خرد (در بعد بانکی)

- ۱- بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع و مصارف
- ۲- تغییر ترکیب دارایی‌ها و اولویت‌دادن به سهم دارایی‌های با بازدهی بیشتر

- ۳- کاهش مطالبات سررسید گذشته و معوق
- ۴- توسعه خدمات بانک به سایر بازارهای مالی
- ۵- تقویت مدیریت ریسک
- ۶- افزایش کفایت سرمایه
- ۷- فروش دارایی‌ها و املاک مازاد و حرکت به سمت پرتفوی سودآورتر
- ۸- بهینه‌شدن ساختار سازمانی بانک
- ۹- شناسایی و حذف فعالیت‌های زاید و تعطیلی شعب زیان‌ده
- ۱۰- ارتقاء سطح تکنولوژیکی بانک
- ۱۱- ارتقاء سطح کیفی خدمات بانکی موجود
- ۱۲- افزایش تنوع و آرایه خدمات نوین بانکی
- ۱۳- اخذ کارمزد متناسب بابت آرایه خدمات موجود بانک
- ۱۴- تقویت انگیزش کارکنان

۳-۱-۱- موانع و مشکلات خصوصی سازی

اجرای هر سیاست اقتصادی در هر کشوری به ویژه در کشورهای جهان سوم با موانع و مشکلات خاص خود همراه است. در مورد خصوصی‌سازی نیز این امر صادق است. به‌طور کلی، موانع و مشکلات خصوصی‌سازی که گاهاً منجر به شکست این سیاست می‌شود را می‌توان به ترتیب زیر بیان کرد.

- ۱- خصوصی‌سازی لزوماً باید به‌دنبال تصحیح ساختار قیمت‌ها (خصوصاً ارز)، آزادسازی تجاری و تصحیح ساختار مؤسسات مالی انجام گیرد و در غیراین- صورت بسیار مشکل است که بتوان از نقطه‌نظر کارایی و منافع اجتماعی امتیازی برای شرکت خصوصی که در یک اقتصاد کنترل شده با انواع محدودیت‌ها فعالیت می‌کند قائل شد. این امر به‌خصوص اگر ساختار بازاری که مؤسسه موردنظر در آن عمل می‌کند انحصاری باشد و سیاست‌های بازدارنده تجاری نیز آن را در معرض رقابت خارجی قرار ندهد قوت بیشتری می‌گیرد. لذا موفقیت خصوصی‌سازی در یک برنامه گسترده آزادسازی تضمین خواهد شد که کاری بسیار بزرگ است.

۲- وجود گروه‌های ذی‌نفع مخالف با برنامه خصوصی‌سازی یکی دیگر از مشکلات خصوصی‌سازی است. عمده گروه‌های مخالف با برنامه‌های خصوصی‌سازی را می‌توان عبارت دانست از:

الف- اتحادیه‌های کارگری که به دو دلیل ممکن است مخالف خصوصی‌سازی باشند: اولاً: چون تصور می‌شود که خصوصی‌سازی در ابتدا منجر به کاهش میزان اشتغال و همچنین کاهش میزان درآمدهای واقعی کارگران می‌شود. ثانیاً: به‌علت اینکه اتحادیه‌های کارگری از قدرت سیاسی تصمیم‌گیری در بخش خصوصی به اندازه بخش دولتی برخوردار نخواهند بود.

ب- قشر دیگر مخالف با برنامه‌های خصوصی‌سازی قشر خاصی از طبقه بورکرات‌ها که جزئی از مکانیزم‌های مداخله هستند خواهند بود.

ج- مقامات دولتی نیز به‌علت اینکه از حوزه قدرت و اختیاراتشان کاسته می‌شود ممکن است به‌عنوان مخالفان برنامه خصوصی‌سازی درآیند.

۳- با مقایسه بین اهداف وجود مؤسسات دولتی و خصوصی به دو پارامتر میزان اشتغال و میزان سود برخورد می‌کنیم. در مؤسسات دولتی هدف سود نیست بلکه یکی از اهداف بالا بردن سطح اشتغال است، درحالی‌که در مؤسسات خصوصی به‌علت اینکه سود هدف است، لازم است تعداد کارکنان در حداقل ممکن باشند. لذا مؤسسه دولتی خصوصی‌سازی شده با مسأله از کار بیکارشدن تعدادی از کارکنان رو به رو می‌شود. بنابراین یکی از مشکلات خصوصی‌سازی که ممکن است تبعات سیاسی نیز در پی داشته باشد مسأله بیکاری است.

۴- استفاده از روش‌هایی مانند مشارکت کارکنان در سهام مشمول واگذاری به سایر واحدها، پرداخت‌های پوششی به کارکنانی که به میل خود از خدمت در واحد مشمول واگذاری کناره‌گیری می‌کنند، و وضع ضوابط ویژه در مورد پرداخت‌های تأمین اجتماعی به بیکارشدگان ناشی از خصوصی‌سازی و در مواردی ایجاد ضوابط قانونی که کارفرمایان خصوصی را وادار به استفاده از نیروی کارکنان واحد مشمول واگذار می‌کند که از جمله عواملی است که می‌تواند فشارهای ناشی از تحولات ناخواسته در وضعیت کارگران را تخفیف دهد.

۵- مسأله هزینه‌های خصوصی‌سازی در کوتاه‌مدت یک بار مالی تلقی می‌گردد. عمده هزینه‌هایی که در این زمینه می‌توان نام برد عبارتند از: هزینه‌های اداری مربوط به جریان و اجرای خصوصی‌سازی، هزینه‌های لازمه برای بازسازی ساختار مالی شرکت‌ها، که اغلب شامل وجوه لازم برای بازپرداخت بدهی‌ها و تجدید سرمایه شرکت قبل از فروش و گاهی پرداخت بدهی‌های مالیاتی می‌شود.

۶- کوچکی بازارهای سرمایه به ناگزیر محدودیت‌هایی در تأمین مالی خصوصی‌سازی از منابع داخلی قرار می‌دهد. در اغلب موارد کشورهای جهان سوم بازارهای مبادله سهام یا بازارهای بورس ندارند و اگر دارند در سطح ضعیف است.

۲-۱- بررسی مطالعه‌های پیشین

در عرصه بین‌المللی، جهانی‌شدن و یکپارچگی بازارهای مالی باعث شده است که توجه مسئولین به اصلاحات و مقررات‌زدایی در بخش مالی و به‌طور کلی آزادسازی این بخش معطوف شود. در روند آزادسازی بخش مالی ورود بانک‌های خصوصی برای کاهش موقعیت انحصاری بانک‌های دولتی، برداشتن محدودیت‌های اداری از رقابت خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی و کاهش تعداد این بانک‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد تفاوت‌های بسیار گسترده‌ای در کشورهای صنعتی و در کشورهای در حال توسعه در میزان خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی وجود دارد. طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۸ بیشترین میزان خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی در اروپا و بعد از آن در کشورهای آمریکای لاتین و جزایر کارائیب و سپس در کشورهای آسیای دور انجام گرفته است. خاورمیانه کمترین میزان خصوصی‌سازی بانک‌ها را طی این دوره تجربه کرده است. نکته‌ای که باید توجه داشت این است که کشورهای مختلف به یک نسبت بانک‌های دولتی خود را خصوصی ننموده‌اند این مسأله به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری دارد، در این کشورها درصد بالایی از سهام بانک‌ها در اختیار دولت‌ها است.

البته در سال‌های اخیر اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه که آزادسازی بخش مالی را انجام داده‌اند در زمینه خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی تلاش‌های گسترده‌ای را به عمل آورده‌اند. به‌عنوان مثال در کشورهای اروپای شرقی اکثر بانک‌ها خصوصی شده‌اند و تنها بانک‌های پس‌انداز کوچک به دولت تعلق دارند، البته در این کشورها تعداد بانک‌های تعاونی نیز بسیار زیاد است. در این زمینه می‌توان به کشور بلغارستان اشاره نمود، در این کشور ۳۵ بانک تجاری دولتی وجود داشته که همه آن‌ها خصوصی شده‌اند. همچنین در حال حاضر در کشور ترکیه ۵۵ بانک وجود دارد که به دلیل خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته، تنها سه بانک دولتی باقی مانده‌اند. بقیه بانک‌ها شامل ۲۰ بانک خصوصی، ۱۵ بانک خارجی و ۱۴ بانک توسعه‌ای هستند.

در کشور روسیه به دلیل آزادسازی‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر، خصوصی‌سازی بانک‌ها روند فزاینده‌ای داشته است. به طوری که از مجموع ۱۳۰۹ بانک تجاری که در این کشور وجود دارد تنها ۳ بانک دولتی باقی مانده‌اند و بقیه بانک‌ها خصوصی هستند همچنین در این کشور فقط یک بانک پس‌انداز وجود دارد که متعلق به دولت است.

۱-۲-۱- خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیک

تجربه خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیک درس‌های ارزشمندی را در فراگرد خصوصی‌سازی در اختیار سایر کشورها قرار داده است. ساختار سیستم بانکداری در مکزیک تا سال ۱۹۸۲ یک ساختار خصوصی بود ولی در سپتامبر ۱۹۸۲ طبق دستور رئیس‌جمهور وقت خبر سلب مالکیت خصوصی در روزنامه‌های آن کشور منتشر شد و بانکداری در مکزیک دولتی شد. بر طبق این دستور قوانین مربوط به مؤسسات مالی (حدود ۱۲۳ مؤسسه مالی موجود) اصلاح شد و مالکیت خصوصی بانک‌ها ممنوع شد.

بانک‌های «بانکو بریپوسیتی» و «بانک مکزیکو» نیز تنها بانک‌های خارجی بودند که اجازه فعالیت در این سیستم بانکداری را داشتند. در طی این فراگرد (دوره تثبیت نظام بانکداری دولتی) شاهد مراحل زیر می‌باشیم.

اول: سیستم بانکداری در سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ وارد مرحله تجدید ساختار و همچنین تثبیت نظام بانکداری دولتی در مکزیک شد. در طی این مرحله ما شاهد

ادغام بانک‌ها در یکدیگر می‌باشیم که بانک‌ها در این ادغام به سه دسته ملی، چندمنطقه‌ای (ایالتی) و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند.

دوم: تغییر ساختار قانونی بانک‌ها در سال ۱۹۸۴ از شرکت‌ها به مؤسسات اعتباری ملی و سهام آن‌ها به اسناد قابل واگذاری تغییر نام داد.

سوم: در سال ۱۹۸۵ رئیس جمهور وقت (دل‌امادرید) موافقت نمود تا شرکت‌های تابعه مالی غیربانکی از بانک‌های مالی جدا شوند و به مالکین قبلی بانک‌ها اجازه خرید این شرکت‌ها را داد.

در طی این دوره نظام مالی سیستم جدید بانکداری مکزیکی جهت جبران این افت شدید دست به ابتکار زد. تأسیس بانک‌های جدید به نام بانک‌های سرمایه‌گذاری سهام و بانک مسکن و همچنین مؤسساتی مانند مهندسی مالی جهت کمک به شرکت‌های بخش خصوصی همه و همه تلاشی در جهت ارتقاء کیفیت بخش بانکداری دولتی و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در این سیستم بود ولی این تلاش‌ها نتایج بسیار ضعیفی در عمل داشت. از طرف دیگر احتیاج به دستیابی به استانداردهای بالای بخش مالی جهت رقابت در صحنه بین‌المللی، پیوستن مکزیکی به پیمان تجارت جهانی در سال ۱۹۸۵ و شرایط به وجود آمده برای اتخاذ استراتژی توسعه صادرات این کشور و مواردی از این دست لزوم آزادسازی مالی در این کشور را توجیه می‌کرد. این عوامل و بعضی از تعدیلات اقتصادی شرایط را جهت خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیکی مهیا نمود. با توجه به موارد مطرح شده مسأله خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیکی جهت دستیابی به اهداف زیر اجراء شد.

اهداف مرتبط با سیستم بانکداری (جهت رقابت و بهبود کارایی در سیستم مالی و دستیابی به یک توازن و تعادل در سیستم مالی).

اهداف مرتبط با ساختار مالکیت در سیستم بانکداری (برای محافظت حقوق مالکیت بانک و جلوگیری از یک مالکیت متمرکز، به منظور حصول اطمینان از اینکه بانک توسط خود صاحبان و مالکان آن اداره می‌شود بدون مداخلات خارجی).

اهداف مرتبط با تکنیک و فراگرد خصوصی‌سازی بانکها (جهت استانداردهای بالای مدل به کار گرفته شده و صلاحیت مدیریت بانک و بهبود نظام سرمایه‌داری بانک).

به‌همین منظور در سپتامبر ۱۹۹۰ کمیته‌ای تحت عنوان کمیته خصوصی‌سازی بانک‌ها با هدف انتقال و واگذاری بانک‌های دولتی به بخش خصوصی تأسیس شد. هدف اصلی این کمیته به نوعی ارایه راهکارهای مطمئن جهت ارزش‌گذاری دقیق اموال دولتی و نحوه انتقال و واگذاری آن به بخش خصوصی بود. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰ این کمیته مکانیزم‌ها و دستورالعمل‌های خود را جهت خصوصی‌سازی بانک‌ها در سه مرحله به شرح ذیل توضیح داد.

مرحله اول: ارزش‌گذاری مؤسسات شامل ارزش‌گذاری اجزاء و دارایی‌های بانک و فروش سهام دولت

مرحله دوم: تعیین نحوه و چگونگی واگذاری مالکیت

مرحله سوم: نام‌نویسی و ثبت پیشنهادات خریداران

۱-۲-۲- خصوصی‌سازی در بنگلادش

در کشور بنگلادش تغییر جهت از روش سرمایه‌داری متمرکز توسعه صنعتی به رشد صنعتی به رهبری بخش خصوصی در اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و از آن زمان تاکنون خصوصی‌سازی در مسیر پیشرفت خود فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. ارزیابی صحیح از مشکلات بنگاه‌های دولتی نشان می‌دهد که مسأله اصلی، خصوصی‌شدن این بنگاه‌ها نیست بلکه سرعت و کیفیت واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی است، چرا که بر اساس واقعیت‌های کنونی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی، خصوصی‌سازی سریع یک ضرورت گریزناپذیر برای بنگلادش است. اما با وجود آنکه در حال حاضر حمایت سیاسی از خصوصی‌سازی در بنگلادش بسیار قوی‌تر از هر زمان دیگر است و برای تسریع جریان خصوصی‌سازی، دولت بنگلادش تمام تلاش خود را با تشکیل هیأت خصوصی‌سازی و اعلام سیاست‌های جدی خصوصی‌سازی معطوف به این برنامه کرده است، دستاوردهای کلی اجرای برنامه، چندان چشم‌گیر نبوده است. در واقع محدودیت‌ها و مشکلات متعدد مانند عدم شفافیت سیاست خصوصی‌سازی و راهبردی که مورد قبول گروه‌های مختلف اجتماعی باشد، نبود چارچوب تشکیلاتی کارآمد، نبود پشتوانه قانونی کافی، وجود ضوابط و دخالت‌های پیچیده اجرایی، شفاف نبودن ضوابط، مخالفت اتحادیه‌های

کارگری، وضعیت نامساعد نظارتی و قانونی و نبود خریداران علاقمند و مانند آن، به-عنوان مهم‌ترین تنگناها و موانع پیشرفت خصوصی‌سازی در بنگلادش شناخته شده‌اند. افزون بر این در مورد مسائل کارگری، تعدیل نیروی کار ناشی از خصوصی‌سازی مشکل بیکاری را تشدید کرده و پیامدهای منفی شدیدی برای وضعیت رفاهی کارگران داشته است. دولت بنگلادش سعی کرده با پرداخت حقوق بیکاری، بازآموزی کارگران اخراجی، تشکیل صندوق ویژه کارگران و ایجاد شبکه تأمین اجتماعی، از منافع کارگران حمایت نماید.

۱-۲-۳- خصوصی‌سازی در سریلانکا

برنامه خصوصی‌سازی در سریلانکا در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان سیاست دولت در جهت کاهش بار مالی برخی شرکت‌های دولتی بر بودجه دولت و نیز ارتقای کارایی، سودآوری و بهره‌وری آنها اعلام شده، پیامدهای اجتماعی این برنامه اقشار مختلف مردم همچون کارگران و مصرف‌کنندگان را در بر گرفت. در واقع زیاده‌بودن تعداد کارگران در شرکت‌های دولتی سریلانکا خیلی شایع بود چرا که با ایجاد اشتغال، دولت از حمایت سیاسی برخوردار بوده و علاوه بر این دولت آن را به‌عنوان آخرین راه حل نیز برای رسیدن به هدف کاهش بیکاری در نظر می‌گرفت. در نتیجه هنگام اجرای برنامه خصوصی‌سازی، مشکل مهم دولت، نیروی کار اضافی بود. این مشکل به خاطر نبود یک چارچوب قانونی و سیاست‌گذاری مناسب برای پرداختن به امور کارگری در جریان خصوصی‌سازی، تشدید شده بود. بنابراین سؤال اصلی این بود آیا باید کارگران اضافی اخراج می‌شدند یا اینکه باید در جاهای دیگری برای آنها شغل ایجاد می‌شد.

۱-۲-۴- خصوصی‌سازی در نپال

زمینه خصوصی‌سازی در کشور نپال تا حدودی در نتیجه روی کارآمدن دولت‌های مختلف و دارای سیاست‌ها و اولویت‌های متفاوت، همواره با تنش همراه بوده است. در پی نهضت مردمی برای برقراری دموکراسی در سال ۱۹۹۰ و روی کارآمدن دولت کنگره نپال در سال ۱۹۹۲، این کشور شاهد آغاز جدیدی در روند خصوصی‌سازی بوده است. این دوره آغازی برای یک تفکر اقتصادی جدید بود که دولت را واداشت به

سمت بخش خصوصی گرایش یابد تا نقطه آغازی برای تفکر لیبرال باشد. بدین ترتیب، دولت با پی‌گیری سیاست خصوصی‌سازی، سه هدف عمده یعنی کاهش بار مالی و اداری، بهبود کارایی بنگاه‌ها و توسعه مشارکت عمومی در مالکیت مدیریت بنگاه‌های دولتی را در دستور کار خود قرار داد. اما انتظار می‌رود که پیامدهای اقتصادی خصوصی‌سازی در نپال بسیار اندک باشد چرا که در مقایسه با کل بنگاه‌های بخش دولتی، مقیاس خصوصی‌سازی بسیار محدود است. با وجود این اثرات پیش‌بینی شده ناچیز، اعتراضات و انتقادات روزافزونی به برنامه خصوصی‌سازی ابراز می‌شود. این افزایش نگرانی نسبت به خصوصی‌سازی از سوی گروه‌های مختلف، به‌ویژه کارگران بازتابی از سناریوی غم‌انگیز جریان کلی خصوصی‌سازی است. ارزیابی درآمدها و تجربه‌های حاصل از اجرای برنامه خصوصی‌سازی در این کشور، اعتماد عمومی را به اندازه کافی جلب نکرده است. گرچه محدودبودن گستره برنامه خصوصی‌سازی، تاکنون پیامدهای منفی اجتماعی ناشی از اجرای برنامه خصوصی‌سازی در نپال را محدود کرده است، اما با این همه با توجه به ماهیت بلند پروازانه برنامه خصوصی‌سازی و روند نومیدکننده روابط کارگری لازم است جریان خصوصی‌سازی برای تخفیف پیامدهای منفی اجتماعی آن مورد بازنگری قرار گیرد. این موضوع در کشوری که در آن امنیت اجتماعی در کمترین حد است و نرخ بیکاری در آن بالاست، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

۱-۲-۵- خصوصی‌سازی در هند

فراگرد خصوصی‌سازی در هند شکل‌های مختلفی داشته است. یک تحول چشم‌گیر در این کشور، زمینه‌های انحصاری در بخش دولتی بوده است. اکنون به جز در مورد بخش‌های راهبردی و دفاعی، عملاً تمام فعالیت‌های اقتصادی برای واگذاری به بخش خصوصی آماده است. همین‌طور انبوهی از مقررات دست و پاگیر در مورد صدور مجوزهای صنعتی، بررسی فنی برای ارزیابی توان صادراتی و مانند اینها لغو شده‌اند. دولت برای پیشبرد برنامه خصوصی‌سازی، به‌صورت مرحله‌ای و تدریجی، سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته است. با وجود اقدامات مهم و متعدد که چارچوب سیاست‌گذاری اقتصادی کشور در نتیجه آنها تغییرات قابل‌توجهی کرده، سر درگمی

گسترده‌ای در هند در تشخیص هدف اصلی خصوصی‌سازی وجود دارد. در عین حال که تجهیز منابع فقط به‌عنوان یکی از اهداف متعدد خصوصی‌سازی عنوان شده اما واقعیت آن است که در کشور هند این تنها هدفی است که تحت آن واحدهای بخش دولتی، زیان‌های هنگفتی را به خزانه دولت تحمیل کرده‌اند که البته این امر از شکاف عظیم بودجه می‌کاهد. بر عکس، در تلاش‌های کنونی، بر بنگاه‌های دولتی زیان‌ده تأکید نمی‌شود و کار چندانی برای انحلال یا خصوصی‌سازی آنها انجام نگرفته است. افزون بر این، فروش سهام دولت در بنگاه‌های عمومی سودآور، اگرچه دولت را در کسب وجوه یکجا وانبوه کمک کرده است اما سیستم فروش سهام دولت چنان‌که تاکنون پی‌گیری شده به‌هیچ وجه موجب تغییر در مدیریت بنگاه‌های دولتی نشده است. طراحی و تصویب این نوع تغییرات مدیریتی بر عهده دولت است زیرا سهم عمده در این بنگاه‌ها همچنان متعلق به دولت باقی مانده است.

خصوصی‌سازی در هند با مخالفت شدید کارگران نیز مواجه بوده است. آنچه اساساً مورد نیاز است، طرح مشکلات اساسی و در میان گذاشتن آنها با کارگران از سوی مدیران است. چنانچه قبل از تصمیم‌گیری به خصوصی‌سازی، دولت کارگران را در جریان اهداف خصوصی‌سازی قرار میداد و نظرات آنها را جویا می‌شد، بسیار ثمربخش بود. هیچ جای‌گزینی برای مبادله منظم دیدگاه‌ها و مشورت متقابل و مشترک درباره مشکلات وجود ندارد. لازم است ساز و کارهای مشاوره و تبادل نظر تقویت شوند و سرانجام اینکه بسیاری از مشکلاتی که سعی می‌شود از طریق تدابیری مانند خصوصی‌سازی حل شوند، در فضای تفاهم متقابل با کارگران زودتر برطرف می‌گردند. صرف انتقال مالکیت به بخش خصوصی ممکن است در دستیابی به بهره‌وری بالاتر بدون در پی داشتن هزینه‌های سنگین اجتماعی تأثیر چندانی نداشته باشد.

مؤسسه عالی بانکداری ایران

۲- مقایسه عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی اسلامی ایران

اگر وضعیت فعلی بانک‌های خصوصی را به عنوان الگوی نهایی بانک‌های دولتی پس از خصوصی‌شدن در نظر بگیریم، مقایسه عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی چشم‌انداز مناسبی را در این خصوص ارائه می‌نماید.

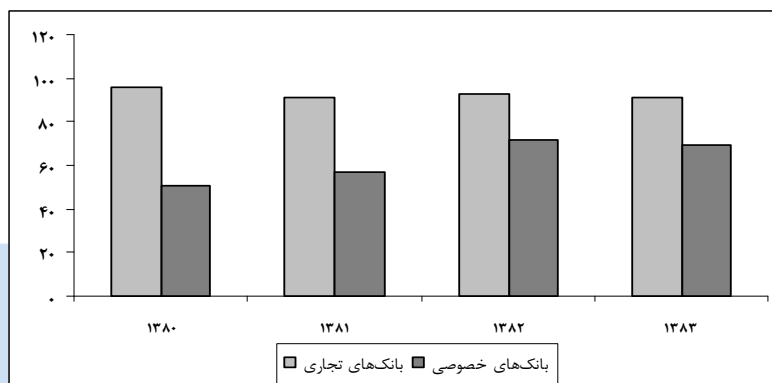
تصویب و تأسیس بانک‌های خصوصی در سال ۱۳۷۹ در کشور انجام گرفت. اما بانک‌های دولتی همچنان به روند کار خود در کنار بانک‌های خصوصی ایجاد شده ادامه دادند. پس از گذشت برنامه سوم توسعه اقتصادی و ورود به برنامه چهارم و نظر به چشم انداز ۲۰ ساله کشور بهبود عملکرد بانک‌های دولتی پیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. عملکرد بسیار خوب بانک‌های خصوصی در سالیان اخیر موید این امر است که نظام بانکداری دولتی در کشور ما نیاز به یک تحول اساسی دارد. ابلاغ بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی، و واگذاری ۸۰٪ از سهام بانک‌ها به بخش خصوصی یکی از پیش‌نیازهای این امر است که بانک‌های دولتی را وارد یک عرضه رقابتی و بهبود شاخص کارایی خود کرده و به دنبال آن رشد و شکوفایی بخش‌های اقتصادی و گام برداشتن در دستیابی به اهداف بلند مدت کشور را در پی خواهد داشت.

نگاهی به آمارهای عملکرد بانک‌های خصوصی و دولتی طی برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور موید این امر خواهد بود که بانک‌های خصوصی از عملکرد به مراتب مناسبتری نسبت به بانک‌های دولتی برخوردار بوده‌اند. در زیر به بررسی چند شاخص مقایسه‌ای اشاره شده است.

۲-۱- نسبت هزینه کل به درآمد کل

این نسبت به نوعی کارایی هزینه‌های بانک را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هر چه این نسبت کمتر باشد، بانک به لحاظ هزینه‌ای کارا تر است. نمودار (۱) نسبت هزینه کل به درآمد کل را در بانک‌های خصوصی و بانک‌های تجاری دولتی نشان می‌دهد.

نمودار ۱: نسبت هزینه کل به درآمد کل بانک‌های خصوصی و تجاری

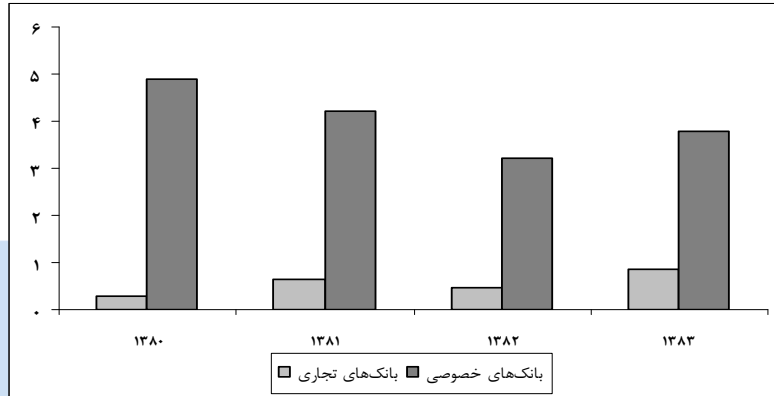


همان‌طور که انتظار می‌رود کارایی هزینه در بانک‌های خصوصی بیشتر از بانک‌های تجاری دولتی است.

۲-۲- بازده دارایی‌ها

به منظور مقایسه کارایی دارایی‌ها از شاخص بازده دارایی استفاده می‌شود. از آنجا که این نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که تحت مدیریت بانک قرار دارد، مرتبط می‌سازد، بنابراین بهترین نسبت برای ارزیابی مدیریت است. نمودار (۲) مقایسه بازده دارایی‌ها در بانک‌های تجاری و بانک‌ها خصوصی را نشان می‌دهد.

نمودار ۲: نسبت بازده دارایی‌ها در بانک‌های خصوصی و تجاری دولتی

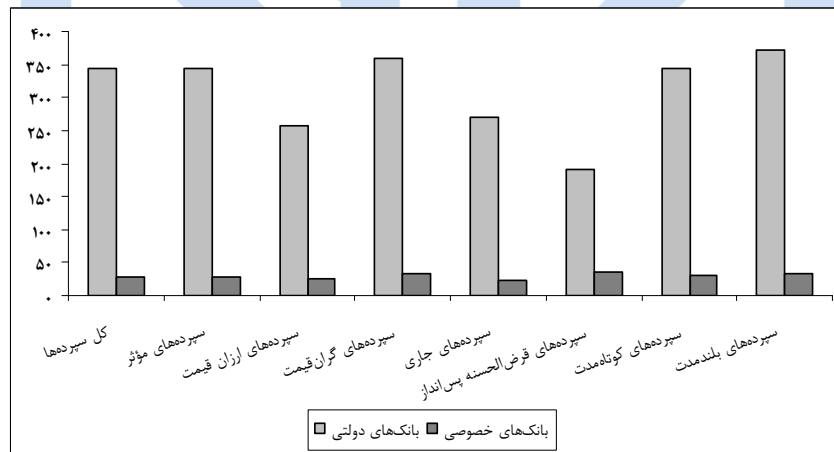


طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۳ بازده دارایی‌ها در بانک‌های خصوصی به طور متوسط ۸ برابر بانک‌های دولتی تجاری بوده است.

۲-۳- روند رشد سپرده‌ها

مقایسه روند رشد سپرده‌های بانک‌های خصوصی و دولتی نشان‌گر رشد بسیار بالای مانده سپرده‌ها در بین بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی می‌باشد.

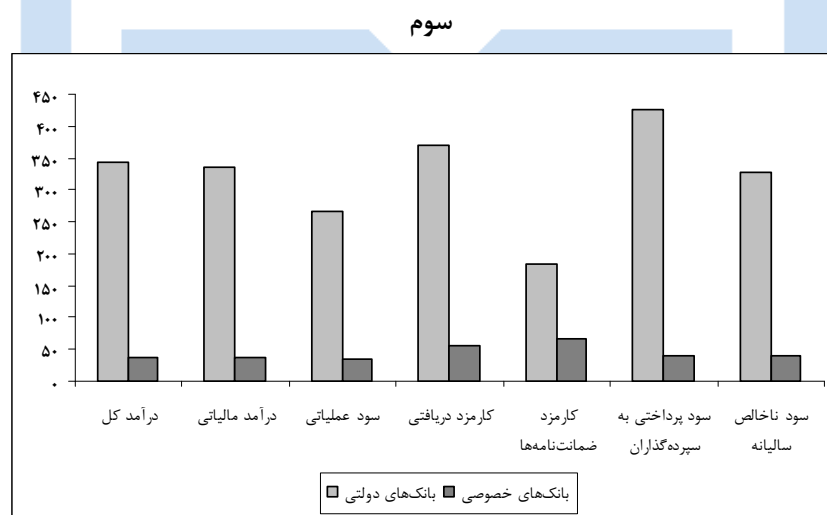
نمودار ۳: رشد متوسط سالانه انواع سپرده‌های بانک‌های خصوصی و دولتی طی برنامه سوم



۲-۴- روند رشد درآمدها و هزینه‌ها

همچنین روند رشد درآمدها و هزینه‌های بانک‌های خصوصی و دولتی اختلاف فاحشی با یکدیگر دارند. به طوری که سود ناخالص بانک‌های خصوصی به طور متوسط سالانه ۳۲۷ درصد رشد طی برنامه سوم توسعه داشته که این میزان برای بانک‌های دولتی ۳۹ درصد است.

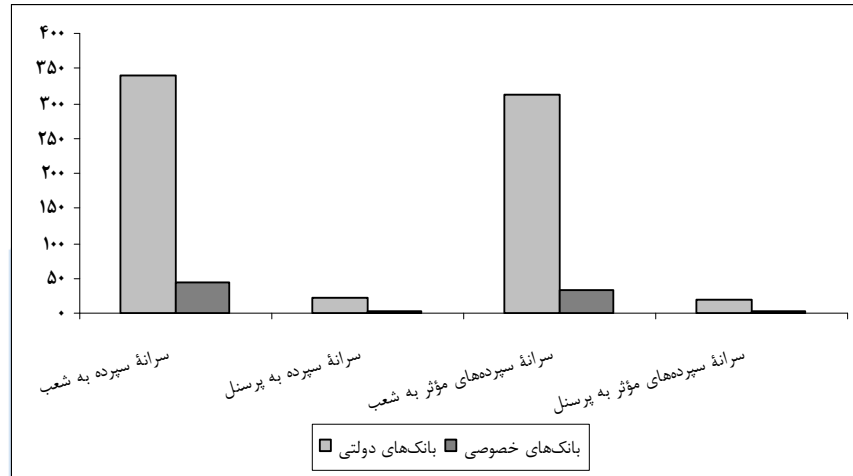
نمودار ۴: درصد رشد متوسط سالانه درآمدها و هزینه‌های بانک‌های خصوصی و دولتی طی برنامه



۲-۵- سرانه سپرده کارکنان و شعب

به طور متوسط هر یک از شعب بانک‌های خصوصی ۳۴۰ میلیارد ریال سپرده در پایان سال ۱۳۸۳ جذب کرده‌اند در صورتی که این رقم برای بانک‌های دولتی ۴۳ میلیارد ریال می‌باشد. و همچنین در پایان این دوره هر یک از پرسنل بانک‌های خصوصی به طور متوسط ۲۱,۲ میلیارد ریال سپرده جذب کرده‌اند که این میزان برای بانک‌های دولتی رقم ۴,۱ میلیارد ریال است.

نمودار ۵: سرانه سپرده به شعب و پرسنل بانک‌های خصوصی و دولتی در پایان سال ۱۳۸۳



۳- چالش‌های خصوصی سازی در ایران

لزوم بازنگری در اصل ۴۴ قانون اساسی از مدت‌ها پیش احساس می‌شد. زیرا اصل ۴۴ در زمانی تدوین گردید که فضای حاکم بر اقتصاد جهان و بر فضای سیاسی کشور کاملاً با امروز متفاوت بود بنابراین مجمع تشخیص مصلحت نظام بازبینی در اصل ۴۴ قانون اساسی را در دستور کار قرار داد و طرح تهیه شده طبق اصل ۱۰۳ قانون اساسی برای نظرخواهی به استحضار مقام معظم رهبری رسید. اما به دلیل اهمیت وافر این موضوع و اثر آن بر ساختار اقتصادی کشور، مقام معظم رهبری یک-سال در مورد تأیید آن مطالعه و بررسی نمودند و در نهایت در تاریخ ۸۵/۴/۱۱ آن را تأیید و به سه قوه ابلاغ فرمودند.

براساس این سیاست، دولت بخش عمده‌ای از دارایی‌های خود را در فعالیت‌های انحصاری اقتصادی همانند صنایع بزرگ، صنایع مادر، هواپیمایی، کشتیرانی، مخابرات و بانکداری تا میزان ۸۰٪ به بخش خصوصی واگذار خواهد نمود.

با توجه به اهمیت و ضرورت و چالش‌های پیش‌رو، این مهم را می‌توان در موارد زیر

خلاصه نمود:

۱- تعیین نحوه، فراگرد و برآیند اجرای سیاست‌های جدید خصوصی سازی

- ۲- ابلاغ سیاست‌ها و برنامه‌های دولت
- ۳- مشخص شدن اسامی شرکت‌ها پس از تعیین و تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی
- ۴- تعیین اقدامات موردنیاز جهت قیمت‌گذاری و ارزیابی دارایی شرکت‌ها (از طریق شرکت‌های داخلی یا در صورت عدم توان کافی بهره‌گیری از شرکت‌های معتبر بین‌المللی)
- ۵- نحوه بهره‌برداری عموم و سپس نحوه عرضه سهام در بورس
- ۶- جلوگیری از تبدیل انحصارات دولتی به انحصارات خصوصی
- ۷- تدوین قوانین شفاف ضدانحصار
- ۸- واگذاری سهام به صورت ترکیبی به بخش دولتی و خصوصی در مواردی که امکان ایجاد انحصار وجود دارد.
- ۹- تسریع در شفافیت سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مشخص گردد و به سازمان خصوصی‌سازی ظرف یک‌ماه اعلام گردد درصد مربوط به سهام عدالت و بخش‌های خصوصی و دولتی به تفکیک مشخص و اعلام شود (در سیاست‌های کلی آمده است که مقداری از این سهام در قالب سهام عدالت واگذار می‌گردد)
- ۱۰- تعیین زمانبندی مناسب برای واگذاری شرکت‌ها، تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد که گذشت زمان و طولانی‌شدن واگذاری‌ها از کارایی سیاست خصوصی‌سازی کاسته است.
- ۱۱- ایجاد اطمینان نسبت به اجرایی شدن تصمیم در جهت ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاران برای مثال یک سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی باید از ثبات قوانین برای ۱۰ سال آتی مطمئن باشد. **بانکداری ایران**
- ۱۲- اولویت‌دادن به سه شرط مشارکت، حمایت و تضمین از بخش‌های خصوصی
- ۱۳- شفاف‌سازی اقدامات اقتصادی، تعیین تکلیف بدهی‌ها و مطالبات بانک‌ها (بدهی حدود ۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت به نظام بانکی) بدهی دولت به بانک‌ها به بانک مرکزی منتقل گردد تا امکان واگذاری به وجود آید سپس دولت سهام بانک را به فروش رساند و بدهی بانک مرکزی را تسویه نماید.

۴- مسائل پیش‌روی بانکها در رابطه با خصوصی سازی

یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه شناسایی مسائل پیش‌روی بانکها به‌منظور خصوصی سازی، مطالعه عملکرد حوزه‌های مالی و شاخص‌های مالی آنها است بنابراین در این قسمت آخرین آمار مربوطه به وضعیت برخی شاخص‌های مالی (سال ۱۳۸۳) در بانک‌های تحت پوشش برنامه خصوصی سازی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- بدهی دولت به بانکها

در ترازنامه بانکها، بدهی‌های انباشته دولت به بانکها، در قلم دارایی وارد می‌گردد که سبب عدم شفافیت صورت‌های مالی بانکها می‌گردد. زیرا که مطالبات بانک از دولت به‌عنوان مطالبات معوق و مشکوک الوصول منظور نمی‌گردد و این امر به احتساب سود بیش از میزان واقعی بانک در صورت مالی منجر می‌گردد. چرا که بدون اینکه سود این مطالبات وصول گردد در ترازنامه بانکها منظور و تصویب می‌گردد. همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌گردد سهم مطالبات از دولت در بانک‌های مورد بحث حدود ۱ تا ۲ درصد از دارایی‌های آنها را تشکیل می‌دهد.

میلیارد ریال / درصد

بانکها	مطالبات از دولت	دارایی‌ها	درصد سهم مطالبات بانک از دولت دارایی
تجارت	۲۴۰۷	۱۲۴۳۹۴	۲
ملت	۸۵۸	۲۰۳۹۷۹	۰/۴۲
صادرات	۱۶۱۲	۱۵۲۵۳۹	۱
رفاه	۵۶۷	۴۱۳۱۴	۱

اگر چه این نسبت اندک است اما خصوصی سازی بانکها مادامی که بدهی‌های دولت تسویه نشده باشد تأثیر کاهشی بر ارزش سهام داشته و یک امتیاز منفی از دیدگاه خریداران سهام محسوب می‌گردد. در حال حاضر می‌توان بدهی دولت به بانکهای مورد بحث را به بانک مرکزی (یا یک بانک تسویه دولتی) منتقل نمود و

سپس از طریق فروش سهام بانک‌ها آنرا تسویه نمود البته لازم به تذکر است که قدرت بخش خصوصی در تسویه بدهی دولتی نسبت به بخش دولتی کمتر است.

۴-۲- سهم حقوق صاحبان سهام از کل دارایی‌ها (شاخص نسبت مالکانه)

یکی از الزامات موجود برای عرضه سهام بانک‌ها در بورس اوراق بهادار حد مناسب نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی است. برای مثال این نسبت در سال ۲۰۰۵ و در دویچه بانک ۳ درصد بوده است این نسبت معیاری برای سنجش قدرت مالی بانک است و هر قدر بالاتر باشد وضع مالی بانک مستحکم‌تر است، زیرا سهم بیشتر منابع از محل حقوق صاحبان سرمایه تأمین می‌شود و در زمان بحران‌های مالی این شرکت‌ها کمتر در معرض ورشکستگی هستند. بررسی وضعیت بانک‌ها برطبق آخرین آمار موجود (سال ۱۳۸۳) حاکی از تفاوت اندک شاخص مذکور با میزان آن در بانک معتبر دویچه بانک است.

میلیارد ریال / درصد

بانک‌ها	حقوق صاحبان سهام	دارایی‌ها	حقوق صاحبان سهام دارایی
تجارت	۱۲۷۵	۱۲۴۳۹۴	۱
ملت	۱۵۰۰۸	۲۰۳۹۷۹	۷
صادرات	۶۴۴۱	۱۵۲۵۳۹	۴
رفاه	۱۲۳۶	۴۱۳۱۴	۳

۴-۳- نسبت بالای دارایی ثابت به حقوق صاحبان سهام

این شاخص به این دلیل محاسبه می‌شود تا سهم سرمایه بلوکه شده در دارایی ثابت مشخص گردد. این شاخص نشان می‌دهد که چه مقدار از حقوق صاحبان سهام به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و درآمدزا در دارایی ثابت بلوکه شده است. **بررسی این نسبت در بانک‌های مورد بحث در سال ۱۳۸۳ حاکی از مناسب بودن آن در دو بانک و عملکرد منفی آن در دو بانک دیگر است.**

بانک‌ها	دارایی ثابت	حقوق صاحبان سهام	دارایی ثابت حقوق صاحبان سهام
تجارت	۲۷۱۶	۱۲۷۵۲	۲۱
ملت	۴۱۵۲	۱۵۰۰۸	۲۸
صادرات	۵۷۸۵	۶۴۴۱	۹۰
رفاه	۱۵۱۵	۱۲۳۶	۱۲۲

قابل ذکر است که این نسبت برای بانک نظیر دویچه بانک در سال ۲۰۰۵ معادل ۲۳ درصد بوده است.

۴-۴- نسبت هزینه کل به درآمد

نسبت هزینه کل به درآمد در تمامی بانک‌های مورد بحث وضعیت مطلوبی ندارد که نشان از بالا بودن مخارج در مقایسه با درآمدهاست که بهترین راه حل، کاهش مخارج به خصوص مخارج غیر بهره‌ای است. این نسبت در دویچه بانک و در سال ۲۰۰۵، ۷۸ درصد بوده است که نسبت به سال قبل از آن نیز ۷ درصد کاهش داشته است.

بانک‌ها	درصد هزینه کل / درآمد
تجارت	۱۱۹
ملت	۱۱۱
صادرات	۱۱۲
رفاه	-
پست بانک	۱۹۴

۴-۵- سهم دارایی ثابت از کل دارایی‌ها

این شاخص نمایانگر توان مشارکت بانک در فعالیت‌های مختلف است به عبارت دیگر هر چه سهم دارایی‌های ثابت از کل دارایی‌ها کمتر باشد، سهم تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری که منابع عمده کسب درآمد بانک هستند بیشتر است.

بانکها	دارایی ثابت	کل دارایی	درصد دارایی ثابت کل دارایی
تجارت	۲۷۱۶	۱۶۷۴۵۵	۲
ملت	۴۱۵۲	۲۰۳۹۷۹	۲
صادرات	۵۷۸۵	۱۵۲۵۳۹	۴
رفاه	۱۵۱۵	۴۱۳۱۴	۴

نسبت فوق در بانکهای مورد بحث ۲ تا ۴ درصد است، درحالی که این نسبت در دویچه بانک و در سال ۲۰۰۵ تنها ۰/۷ درصد بوده است.

۴-۶- بازده دارایی

شاخص بازده دارایی از معیارهای مهم سودآوری است که عبارت نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی است. این نسبت بازده هر واحد از دارایی بانک یا به عبارت دیگر، متوسط سودآوری هر واحد از دارایی را نشان می دهد. بازده دارایی در بانکهای مورد بحث در مقایسه با بانک معتبر دویچه بانک از وضعیت مطلوبی برخوردار است. این بازده در سال ۲۰۰۵ برای دویچه بانک ۰/۶ درصد و برای تمامی بانکهای در سال ۱۳۸۳ مورد بحث بالاتر از این نسبت است (برای شرکت پست بانک این نسبت بسیار مطلوب است (۰/۱۷/۹)).

بانکها	درصد هزینه کل / درآمد
تجارت	۱
ملت	۰/۷
صادرات	۱
پست بانک	۱۸

۴-۷- بازده فروش

این بازده بیان می‌دارد که از هر یک ریال فروش چند درصد سود به دست آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی بانک‌ها در سال ۱۳۸۳ دارای وضعیت مطلوبی در ارتباط با این شاخص هستند.

بازده فروش	بانک‌ها
۱۶	تجارت
۱۰	ملت
۱۱	صادرات
۴۹	پست بانک

۴-۸- بازده حقوق صاحبان سهام

این نسبت میزان سودآوری بانک را نشان می‌دهد و در حقیقت نمایان‌گر بازده متعلق به صاحبان سهام است.

بازده حقوق صاحبان سهام	بانک‌ها
۱۲	تجارت
۹	ملت
۲۶	صادرات
۶۵	پست بانک

۴-۹- بازده سرمایه

شاخص بازده سرمایه یکی دیگر از معیارهای سودآوری بانک است که این شاخص نسبت سود ناخالص به حقوق صاحبان سهام بوده و نرخ بازده سرمایه‌گذاری و توانایی بالقوه را برای تشکیل سرمایه داخلی ارزیابی می‌نماید. در شرایط تورمی، برای اینکه بانک باید سرمایه‌اش را در شرایط واقعی حفظ نماید، حتی به فرض عدم وجود سود این نسبت باید معادل نرخ تورم باشد.

درصد

بانک‌ها	سود	سرمایه	بازده سرمایه	دارایی	سرمایه دارایی
تجارت	۱,۶۶۶	۱۰۴۳۷	۱۶	۱۶۷۴۵۵	۶
ملت	۱,۳۴۴	۱۳۱۰۰	۱۰	۲۰۳۹۷۹	۶
صادرات	۱,۸۹۷	۱۸۸۷	۱۰۰	۱۵۲۵۳۹	۱
پست بانک	۴۱۳	۳۹	۱۰۵	۲۵۱۷	۱/۵

بازده سرمایه در دویچه بانک در سال ۲۰۰۵ معادل ۲۰ درصد بوده است که بانک تجارت تفاوت اندک و بانک ملت تفاوت زیادی در شاخص مذکور با بانک فوق دارد. این شاخص در دو بانک صادرات و پست بانک بسیار بالا است که بالا بودن آن ناشی از بازده سرمایه ناست بلکه به دلیل ضعف میزان سرمایه است. برای این منظور نسبت سرمایه به دارایی در بانک‌های فوق نیز محاسبه گردید و همان‌طور که مشاهده می‌گردد این نسبت برای دو بانکی که شاخص بازده سرمایه در آنها بسیار بالا است حدوداً $\frac{1}{6}$ دو بانک تجارت و ملت است.

۵- اقدامات مورد نیاز بانک تجارت جهت عرضه سهام در بورس بانک تجارت برای عرضه سهام خود در بورس نیازمند شرایط ویژه‌ای است که به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌شود.

برخی شرایط بیرونی عبارتند از: قوانین حاکم بر بانک‌ها، قانون تجارت، قوانین حاکم بر بورس و غیره. عالی بانکداری ایران

و شرایط درونی، شامل شفافیت حساب‌ها، شفافیت ترازنامه، سودآوری بانک، بررسی دارایی و پرتفوی بانک، برنامه‌های آینده، نیروی انسانی بانک و غیره است.

۵-۱- تعیین اقدامات

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان اقدامات مورد نیاز برای خصوصی‌سازی را در موارد کلی زیر دسته‌بندی کرد:

- تعیین ضوابط بورس برای پذیرش سهام بانک در بورس (نظیر الزامات سرمایه‌ای و سودآوری)
- ارزش‌گذاری و تعیین قیمت سهام پایه بانک
- بررسی ساختار سازمانی بانک خصوصی
- بررسی اساسنامه جدید بانک

۵-۲- شرایط و ضوابط پذیرش سهام بانک‌ها در بورس

ماده ۱- در اجرای مواد ۴ و ۶ قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب اردیبهشت ۱۳۴۵، سهام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی متقاضی پذیرش در بورس که از این پس به اختصار بانک و مؤسسه نامیده می‌شوند، براساس شرایط و ضوابط مقرر در این آیین‌نامه در تابلو اول (تالار اصلی بورس اوراق بهادار) پذیرفته خواهند شد.

ماده ۲- ضوابط پذیرش سهام بانک و مؤسسه:

- ۱- بانک یا مؤسسه باید دارای سهام عادی با نام بوده و ۱۰۰ درصد بهای آن پرداخت شده باشد و هیچ‌گونه امتیاز ویژه‌ای برای تعدادی از سهام بانک یا مؤسسه نسبت به سایر سهام قائل نباشد.
- ۲- بانک یا مؤسسه باید از هنگام درخواست تقاضای پذیرش دارای صورت‌های مالی تهیه شده براساس مصوبات شورای پول اعتبار و حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی عضو جامعه و یا سازمان حسابرسی شده دارای اظهارنظر حرفه‌ای غیرمشروط و یا حداقل فاقد شروط سود و زیان باشد.
- ۳- دعاوی حقوقی مهم و دارای اثر قابل ملاحظه علیه بانک یا مؤسسه، براساس گزارش بازرسی وجود نداشته باشد.
- ۴- بانک یا مؤسسه باید نسبت بدهی به سرمایه (کفایت سرمایه) را طبق ضوابط بانک مرکزی رعایت کرده باشد.
- ۵- بانک یا مؤسسه باید برنامه عملیاتی جامع مشتمل بر اهداف بانک، بازارهای هدف در مورد تامین منابع و تخصیص مصارف، رؤس سیستم‌های کنترل مدیریت، سیاست‌ها و تمهیدات پیش‌بینی شده برای مقابله با انواع خطرهای (مدیریت ریسک)، ساختار سازمانی، سیستم نظارتی، ترکیب دارایی‌های

مناسب، نحوه تأمین زیان‌های احتمالی و صورت‌های مالی برآوردی برای حداقل سه سال فعالیت آتی خود را ارائه نموده و متعهد به پیاده‌کردن و اجرای این برنامه باشند.

۶- نقل و انتقال سهام بانک یا مؤسسه به‌نوعی باشد که در هیچ زمانی سهامدار بیش از ۱۰ درصد نداشته باشد.

تبصره: مالکیت بیش از ۱۰ درصد سهام بانک یا مؤسسه موقوف به موافقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و اطلاع سازمان کارگزاران بورس است.

۷- تعداد سهام‌داران بانک یا مؤسسه ظرف مدت شش ماه از تاریخ درج نام در تابلو نباید از ۱۰۰۰ نفر کمتر باشد و حداقل ۱۰ درصد از کل سهام بانک یا مؤسسه باید به‌عنوان عرضه اولیه، طبق نظر دبیرکل سازمان بورس، به عموم عرضه شود.

۵-۳- ارزش‌گذاری و تعیین قیمت سهام پایه بانک

بزرگ‌ترین اقدام برای ورود به خصوصی‌سازی و عرضه در بورس تعیین قیمت سهام پایه آن به‌صورت دقیق و عادلانه است. در فرمول سرمایه + بدهی = دارایی، تعیین ارزش دو عنصر دارایی و بدهی، حصول به رقم واقعی سرمایه بانک را میسر می‌سازد که با تقسیم آن بر تعداد قطعات سهام، قیمت یک سهم مشخص می‌گردد. همان‌طور که در ترازنامه بانک مشاهده می‌گردد، بدهی‌های انباشته دولت به بانک تجارت، در قلم دارایی وارد می‌گردد که سبب عدم شفافیت صورت‌های مالی بانک می‌گردد. در ترازنامه، مطالبات بانک از دولت به‌عنوان مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول منظور نمی‌گردد. این امر به احتساب سود بیش از میزان واقعی بانک در صورت مالی منجر می‌گردد چرا که بدون اینکه سود این مطالبات وصول شود در ترازنامه بانک‌ها منظور و تصویب می‌گردد. ارزش‌گذاری سهام بانک در این حالت از دیدگاه خریداران سهام یک امتیاز منفی به حساب آمده، تأثیر کاهشی بر ارزش سهام دارد. بنابراین خصوصی‌سازی بانک مادامی که بدهی‌های دولت تسویه نشده است قابل توجیه به‌نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر بخش خصوصی دارای قدرت کمتری نسبت به بخش دولتی در وصول بدهی از دولت خواهد بود که باید مدنظر قرار گیرد.

اقدامات دیگری که در این رابطه و به منظور شفاف‌سازی صورت‌های مالی باید انجام گیرد در موارد زیر خلاصه می‌گردد.

۴-۵- بررسی پرتفوی دارایی‌های ثابت

با هدف شناسایی ساختمان‌ها و املاک و سرقفلی‌های بانک و تعیین قیمت روز آنها (انجام شده است)

- بررسی پرتفوی تسهیلات بانک (در این رابطه پرتفوی مطالبات معوق در بانک تجارت کاملاً شفاف گردیده است) با هدف شفاف‌سازی تسهیلات و طبقه‌بندی انواع عقود به تفکیک بخش‌های اقتصادی، تعیین ریسک واقعی بانک و شناسایی مطالبات بانک (در این خصوص جهت جمع‌آوری اطلاعات تسهیلات از تمامی شعب در سراسر کشور و تجمیع اطلاعات در مرکز به صورت مکانیزه نسبت به تهیه برنامه‌های نرم‌افزاری مربوطه در بانک تجارت اقدام گردیده است)

۵-۵- شفاف‌سازی سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها

با هدف تخمین ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های حقوقی بانک تجارت

۶-۵- بررسی ساختار سازمانی بانک خصوصی

با هدف بهینه‌سازی ساختار سازمانی بانک متناسب با فعالیت سیستم بانکی در بخش خصوصی

۷-۵- بررسی اساسنامه جدید بانک

در راستای ایجاد بستر مناسب به منظور تعیین نحوه فعالیت بانک در قالب بنگاه اقتصادی خصوصی، انجام شده است. جمهوری اسلامی ایران

منابع و مأخذ

اداره مطالعات و برنامه‌ریزی بانک تجارت "بررسی اساسنامه جدید بانک تجارت به- منظور عرضه سهام بانک در بازار بورس اوراق بهادار"، گروه مطالعات اقتصادی و بانکی، خرداد ۱۳۸۲.

اداره مطالعات و کنترل ریسک بانک تجارت "بررسی اثرات سیاست‌های راهبردی نظام درباره بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی"، گروه مطالعات بانکی، تیر ۱۳۸۵.

فطرس، رضا، "بررسی و روش‌های تعیین قیمت سهام پایه شرکت‌های مشمول واگذاری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۸۰.

اداره مطالعات و کنترل ریسک بانک تجارت، "دورنمای بانکداری دولتی"، گروه مطالعات اقتصادی و بانکی، فرودین ۱۳۸۵.

اداره مطالعات و کنترل ریسک بانک تجارت، "خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر کارایی"، گروه مطالعات اقتصادی، بهمن ۱۳۸۴.

ساسان گهر، پرویز (۱۳۸۴) "گزارش عملکرد بانک‌ها در سال ۱۳۸۳"، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی وزارت اقتصادی و دارایی، "نقش و عملکرد نظام بانکی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" ۱۳۸۴.

"توسعه بانک‌های غیردولتی و پیامدهای مثبت و منفی آن تعامل بانکی"، مجله تدبیر سال ۱۶، شماره ۱۵۹.

ایمانی راد، مرتضی، "زمینه‌های تاریخی و شرایط موفقیت آزادسازی اقتصادی"،
اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۵ و ۶.

کميجانی، اکبر، "ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران"، معاونت امور
اقتصادی وزارت اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۲.



مؤسسه عالی بانکداری ایران
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران